

- تمرکززدایی و جلوگیری از به وجود آمدن کلان شهرها و توجه واقع بینانه به روستاها و بخش کشاورزی
- ایجاد انسجام بین جناح‌ها و گروه‌های داخلی در جهت اهداف مشخص شده در سند چشم‌انداز؛ این مسأله، شرط لازم پیروزی در تعاملات منطقه‌ای است. به علاوه، باید به گروه‌های جدید و احزاب مردمی به عرصه سیاست داخلی اجازه ورود داد.
- توجه به تفاوت‌های منطقه‌ای در برنامه ریزی‌ها و توسعه متوازن منطقه‌ای بر اساس مزیت‌ها و توجه به آمایش سرزمین و تدوین و بازنگری آن بر مبنای رسیدن به مطلوب‌ترین توزیع ممکن جمعیت
- عدم تعامل صرف با شرق و جایگزینی بی‌چون و چرای آن با غرب و حل اختلاف ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس و جهان
- به نظر ما، با این که چالش‌ها بسیارند اما اهداف - با کمی تلاش در اندیشه و اجرا - دور از دسترس نیستند. بیش از هر چیز، کشورمان نیاز به توسعه همه‌جانبه و مدیریت و شایسته‌سالاری مناسب دارد. انشاءالله. ■

- ورود بخش خصوصی جدید (بند الف سیاست‌های کلی اصل ۴۴)
- عدم کنترل مصنوعی بورس و شفاف نمودن، کارآمد کردن و منصفانه کردن معاملات آن برای جذب سرمایه‌های کوچک و بزرگ داخلی و خارجی؛ و کاهش قدرت شرکت‌های دولتی و شبه دولتی
- ترویج شایسته‌سالاری در سیستم دولتی، شبه دولتی و عمومی
- سامان‌دهی محیط کسب و کار و حذف دیوانسالاری دولت و تلاش برای جلب اعتماد عمومی در جامعه که در نهایت منجر به مشارکت شود
- افزایش شفافیت عملکرد دولت و انعکاس دقیق آمار و ارقام مربوط به شاخص‌های اقتصادی به منظور پیش‌بینی و برنامه‌ریزی بلندمدت و اجتناب از آرایه سیگنال‌های غلط به بازار و بخش خصوصی
- حمایت و پشتیبانی از حقوق مالکیت معنوی، اختراعات، نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها
- در پیش گرفتن سیاست تعادل و توسعه متوازن در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی (شامل توسعه واقعی مردم سالاری) و اجتماعی

اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی

قدم‌های ۴۴



اجرای سیاست‌های جدید اصل ۴۴، به تدابیر خاص خود نیاز دارد؛ تدابیری که با همکاری دولت، تشکل‌ها و بخش خصوصی قابل اتخاذ است.

طی این مدت، کارشناسان و

متخصصان با عنایت به آنچه در جهان توسعه یافته و صنعتی می‌گذشت و با تغییرات عظیمی که از جنبه‌های مختلف رخ می‌داد و مقایسه آن با وضع کشور، همواره در این زمینه به دولت‌ها هشدار می‌دادند و به ویژه، تشکل‌های صنعتی وابسته به بخش خصوصی، همواره پایه و اساس فعالیت‌های صنفی خود را مبتنی بر این امر گذاشته بودند.

سرانجام، عصر جدیدی در اقتصاد کشور پدید آمد، عصری که با اعلام تغییر سیاست‌های کلی بند "ج" اصل ۴۴ قانون اساسی و جایگزین شدن سیاست‌های جدید و ابلاغ آن جهت اجرا به دولت، نویدبخش آینده‌ای روشن برای اقتصاد کشور شد.

سیاست‌های جدید در رابطه با بخش خصوصی تحت عنوان سیاست‌های کلی توسعه بخش غیردولتی عبارتند از واگذاری ۸۰ درصد سهام شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت، به شرح زیر:

- بنگاه‌های دولتی که در زمینه معادن بزرگ، صنایع بزرگ و صنایع مادر (از جمله صنایع پایین دستی نفت و گاز) فعال هستند (به استثنای شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های استخراج و تولید نفت خام و گاز)
- بانک‌های دولتی به استثنای بانک مرکزی، بانک ملی ایران، بانک سپه، بانک صنعت و معدن، بانک کشاورزی، بانک مسکن و بانک توسعه صادرات

- شرکت‌های بیمه دولتی به استثنای بیمه مرکزی و بیمه ایران
- شرکت‌های هواپیمایی و کشتیرانی به استثنای سازمان هواپیمایی کشوری و سازمان بنادر و کشتیرانی
- بنگاه‌های تأمین نیرو به استثنای شبکه‌های اصلی انتقال برق
- بنگاه‌های پستی و مخابرات به استثنای شبکه‌های مادر مخابراتی و مدیریت توزیع خدمات پایه

- صنایع وابسته به نیروهای مسلح به استثنای تولیدات دفاعی و امنیتی ضروری به تشخیص فرمانده کل قوا
- آشکار است که تصمیمات جدید فراتر از اندیشه خصوصی سازی گذشته است و برای عملی شدن این سیاست‌ها باید دولت و بخش خصوصی، زمینه لازم را از طریق اتخاذ تدابیر جدی و بخش خصوصی فراهم نمایند.

در رابطه با تدابیر، ضروری است موارد زیر را مد نظر قرار داد:

طی سال‌های تنظیم و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و رعایت اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی مبتنی بر اولویت قابل شدن برای اقتصاد دولتی و نگرش به بخش خصوصی به عنوان مکمل دو بخش تعاونی و دولتی، بخش خصوصی به نحوی کامل از صحنه اقتصاد کشور به دور افتاد. بدیهی است، این امر ناشی از شرایط اقتصادی - اجتماعی دوران آغازین پیروزی انقلاب اسلامی و شعارهای انقلاب جهت اجرای عدالت به معنی وسیع کلمه و هدف آن، یعنی استقرار نظام اقتصادی عادلانه در کشور بود. ولی اجرای اصول فوق در سه دهه گذشته نتوانست مهر تأیید بر چنان نظراتی بگذارد.

از یک سو، تعیین مدیران جدید برای واحدهای دولتی شده که اکثراً فاقد تخصص و مهارت لازم بودند، مشکلات بسیاری به بار می‌آورد. از سوی دیگر، براساس همان عدم تخصص و مهارت، تصمیم‌های نادرستی در مورد سرمایه‌گذاری‌ها و استفاده از فن‌آوری‌های جدید و استفاده از نیروهای انسانی متخصص اتخاذ می‌گردید که در نتیجه، کاستی‌هایی را در زمینه فرآیند اداره واحدهای مختلف اقتصادی - اجتماعی ایجاد می‌کرد و نهایتاً موجبات زیان‌دهی یا ورشکستگی واحدهای مذکور را فراهم می‌ساخت.

تردید نیست که این وضع نمی‌توانست ادامه یابد. علاوه بر کاستی‌ها و نقایص یاد شده، تغییرات اقتصادی - اجتماعی جهان و به تبع آن، دگرگونی در شرایط اقتصادی - اجتماعی کشورها ایجاب می‌کرد که قوانین و مقررات ناظر بر امور اقتصادی کشور آن چنان تغییر یابند که با افزایش جمعیت، تغییر وضع بازار کار و پیدایش گروه عظیمی از جوانان آماده به کار و همچنین امکان گسترش روابط اقتصادی و بازرگانی کشور با دیگر کشورهای جهان همخوانی داشته و سرانجام امکان پیوستن به سازمان تجارت جهانی (WTO) را فراهم سازد.

به این ترتیب، واضح بود که اقتصاد دولتی و اولویت قابل شده برای شرکت‌های دولتی و متورم و بزرگ شدن دولت (که خود موجب افزایش تورم می‌گردید) نمی‌توانست ادامه یابد.

بدین لحاظ، از سال ۱۳۷۰ مسأله فروش برخی از شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی متعلق به شرکت‌های دولتی مطرح گردید و متعاقباً با تشکیل سازمان خصوصی سازی، در دهه ۱۳۸۰ جنبه جدی‌تری به خود گرفت. ولی علیرغم همه این تغییرات، سعی بر آن بود که اساس اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی حفظ و رعایت گردد.

نکته ای را که در این زمینه باید مورد تأکید قرار داد این است که واحدها، سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و یا وابسته به دولت، غالباً تورم نیروی انسانی دارند. طی دوران دولت سالاری، در مورد منطقی کردن تعداد نیروی انسانی و مرتبط ساختن آن با میزان سرمایه در گردش و میزان تولید، اقدامی به عمل نیامده و تردیدی نیست که مدیران و صاحبان جدید این واحدها برای منطقی کردن اداره واحد تولیدی جدید، دست به تعدیل نیروی انسانی بزنند.

ممکن است، این قبیل تصمیمات آثار مثبت سیاست‌های جدید را کم رنگ سازد؛ و لذا دولت باید به منظور جلوگیری از چنین پیامدی تدابیری بیندیشد. ایجاد صندوق بیمه بیکاری (برای پرداخت دستمزد و برای جبران هزینه‌های آموزشی) یکی از راهکارهای پیشنهادی است.

برخی دیگر از راهکارها عبارتند از:

- سیاست‌گذاری‌های جدید برای اداره صحیح و منطقی واحدهای دولتی که به بخش خصوصی واگذار می‌شوند
- فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای بهینه شدن فعالیت مؤسسات جدید تحت اداره بخش خصوصی

■ در این واگذاری‌ها، بیست درصد سرمایه و سهام شرکت در تعلق دولت باقی می‌ماند، پس لازم است ترتیباتی جدی اتخاذ گردد که مسؤولان امر، به این سبب که در ۲۰ درصد شرکت، بدون هیچ واسطه‌ای، صاحب اختیار و مالک هستند، مانند گذشته و به همان سطح دخالت نداشته باشند یا به مفهوم روشن‌تر، سیاست‌های جدید را از پایه و اساس متزلزل نسازند.

بدیهی است برای اجرای سیاست‌های جدید و نظارت بر چگونگی اجرای صحیح و منطقی آن، علاوه بر دولت، گروه‌های ذینفع، یعنی کارفرمایان و کارگران، نقش مهمی می‌توانند ایفا کنند و به ویژه، شکل‌های صنعتی در این زمینه نقش اساسی خواهند داشت. ■

■ فرهنگ‌سازی لازم برای پذیرش سیاست‌های جدید و اجرای آن از سوی سازمان‌های دولتی و مؤسسات وابسته مشمول (تجربه در مورد اجرای سیاست خصوصی‌سازی در گذشته نشان می‌دهد چنین فرهنگ‌سازی انجام نیافته و به همین دلیل، انجام آن با مشکلات فراوانی روبه‌رو بوده است).

■ اتخاذ روندی منطقی و برنامه‌ریزی شده و قانونمند برای انتقال و واگذاری واحدهای مشمول (از جمله توالی واگذاری‌ها)

■ فراهم آوردن زمینه‌های لازم جهت فروش سهام شرکت‌ها و سازمان‌های مشمول به مؤسسات کوچک و متوسط، به منظور جلوگیری از انحصار و تجمع سرمایه در دست گروه‌های معین

■ آماده‌سازی بخش خصوصی برای مدیریت و اداره سازمان‌های انتقال یافته، از طریق ارایه آموزش‌های لازم بدین منظور

■ آموزش فنی - حرفه‌ای کارگرانی که واحد آنها به بخش خصوصی انتقال یافته، جهت آمادگی برای کار بهتر

■ حفظ نیروی انسانی بهره‌ور شرکت‌ها و مؤسساتی که واگذار می‌شوند و پیشگیری از هر گونه کاهش نیروهای کارآمد تحت عنوان تعدیل و انتقال

■ صندوقی برای بیکاری

تجربه دوران خصوصی‌سازی در کشورمان نشان داده است در کوتاه‌مدت، کارفرمایان جدید، در اولین گام پس از تحویل گرفتن واحد خود، طبیعتاً در صدد کاهش نیروی انسانی مازاد برآمده و در نتیجه، موجبات بیکاری برخی از کارگران را فراهم ساخته‌اند.

در این راستا، باید تدابیر لازم به منظور جلوگیری و پیشگیری از پیامدهای تعدیل نیروی انسانی و تغییر ساختار، که نتیجه آن کاهش نیروی انسانی کارآمد می‌باشد، حتی الامکان اتخاذ گردد.

الزامات رشد اقتصادی

بزرگترین مباحثه قرون ۲۰ و ۲۱

برای رسیدن به موفقیت اقتصادی باید پنج اصل اساسی شکوفایی اقتصادی را رعایت کنیم.



قانونمدار اگر شما ملکی را بخرید، همه

می‌دانند شما صاحب آن هستید. ولی برخی از کشورها دارای چنین نظام دارایی نبوده و فرهنگ آن را ندارند.

چند سال پیش، هرناندو دسوتو، اقتصاددان بزرگ اهل پرو، متوجه شد که هر چند فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و کارآفرینی در کشورهایی مثل پرو وجود دارد، اما موفقیتی مشابه آنچه که در کشورهای پیشرفته هست، دیده نمی‌شود و این مسأله برایش سوآلی پیش آورد. وی در کتابش به نام "معمای سرمایه: دلیل موفقیت کارآفرینی و سرمایه‌داری در غرب و شکست آن در مناطق دیگر"، موضوع نبود نظام قانونی حقوق مالکیت در بسیاری از کشورها را مطرح کرده است. مثلاً حتی در شهرهای کلبه‌نشین برزیل، هرکس می‌داند صاحب خانه‌ای است که در آن زندگی می‌کند و همسایگانش هم از این مسأله آگاه هستند، اما این حقیقت در جاهای دیگر شناخته شده نیست.

چند سال پیش، دولت مصر از آقای دسوتو خواست تعیین کند در این کشور، چه کسانی صاحب تجارت و منزل مسکونی هستند. متعجباً تحقیقات وی نشان داد ۸۸ درصد واحدهای صنعتی - تجاری در مصر غیرقانونی است. ۸۸ درصد؟! شما در نظر بگیرید در ایالات متحد برای راه‌اندازی یک کار قانونی جهت فعالیت اقتصادی فقط چند روز زمان لازم است. اما در مصر دو سال طول می‌کشد تا ثبت یک شرکت یا آغاز یک

استیو فریز، رییس و سردبیر مجله فریز (Forbes) است. ریگان،

رییس‌جمهور سابق آمریکا، وی را به عنوان رییس هیأت رسانه‌های بین‌المللی خبری منصوب کرد. در زمان جرج بوش پدر، وی دوباره به این سمت منصوب و تا سال ۱۹۹۳ به خدمت ادامه داد.

فریز دارای لیسانس در رشته تاریخ از دانشگاه پرینستون (در سال ۱۹۷۰) بوده و تاکنون در پست‌هایی چون ریاست بنیاد ریگان، بنیاد هریتیج و مؤسسه دفاع از دموکراسی به فعالیت پرداخته است.

کتاب "انقلاب مالیات ثابت: استفاده از کارت پستال برای انحلال سازمان مالیاتی آمریکا (IRS)" از آخرین نوشته‌های او می‌باشد.

متن زیر خلاصه‌ای از سخنرانی اخیر وی در یکی از دانشگاه‌های آمریکا تحت عنوان "بزرگترین مباحثه قرون ۲۰ و ۲۱" است که با هم می‌خوانیم.

اجازه دهید پنج اصل اساسی رشد اقتصادی را برشمارم. اولین و مهمترین اصل، نقش قانون است. بدون مساوات فردی در مقابل قانون، کارآفرینان نمی‌توانند در صنایع و تجارت‌های موجود به رقابت پردازند. باید از اتحاد واحدهای اقتصادی موجود و دولت‌ها که همواره موانعی برای کارآفرینان جدید ایجاد می‌کنند، اجتناب کرد.

دومین اصل اساسی، حقوق مالکیت است. بدیهی است در کشورهای